

## چکیده

«جهانی شدن»<sup>۱</sup> اصطلاحی ناظر بر واقعیتی عینی و خارجی است که در آن حیثیت فاعلی و ارزشی مدنظر نیست. به دیگر سخن، بحث در باره‌ی پدیده یا وضعی است که انسان در دهه‌های اخیر با آن مواجه شده است و آن را در حال تحقق می‌بینند. در مقابل، «جهانی سازی»<sup>۲</sup> اصطلاحی ناظر بر حیثیت فاعلی و ارزشی پدیده یا وضع جهانی شدن است. به تعبیر روشن‌تر: جهانی سازی حاکی از ایدئولوژی و برنامه‌ای هدفمند برای جهان‌شمول کردن بعضی از امور است. در این نوشتار، نخست مقوله‌ی جهانی شدن را تبیین می‌کنیم. سپس، از جهانی سازی و راست و دروغ بودن آن سخن می‌گوییم. در نهایت نیز، در باب نقش و جایگاه مسجد در عصر جهانی سازی و کارکردهای مؤثر آن سخن می‌گوییم.

## بخش اول: مبانی، مؤلفه‌ها و پیامدهای جهانی شدن

### جهانی شدن فرایندی مرتبط با چهار حوزه

۱) **حوزه‌ی فنی:** در این حوزه، از وقوع و شکل‌گیری «انقلاب صنعتی و علمی سوم» سخن به میان می‌آید. «انقلاب صنعتی و علمی اول» از نیمه‌ی قرن ۱۶ تا پایان قرن ۱۷ شکل گرفت و طی آن پیشرفت‌های چشمگیری در زمینه‌های مهندسی، کشاورزی، پزشکی و جنگی پدید آمد. «انقلاب صنعتی و علمی دوم» در نیمه‌ی قرن ۱۹ رخ داد و در عرصه‌ی توزیع، ارتباط و تولید دیدگاه‌های علمی بدیع دگرگونی اساسی به وجود آورد. در «انقلاب صنعتی و علمی سوم»، با انقلابی در عرصه‌ی ارتباطات و فناوری اطلاعات مواجه هستیم. در این مرحله، «نظام جهانی اطلاعات»<sup>۳</sup> از چند طریق شکل می‌گیرد:

۱. ارتباطات رایانه‌ای و تلفنی؛

<sup>۱</sup> Globalization.

<sup>۲</sup> Globalizing.

<sup>۳</sup> World Informstion Order.

۲. ارتباطات ماهواره‌ای؛

۳. شبکه‌های بدون مرز تلویزیونی و رادیویی.

علاوه بر این موارد، توسعه‌ی صنعتی حمل و نقل نیز در این میان نقش آفرین است. مجموعه عوامل یادشده، موجب برچیده شدن عامل «زمان و مکان» و «جغرافیا» در ارتباطات ملل گوناگون شده است. این ویژگی را «افشردگی مکانی» و «باطل شدن جغرافیا» نیز می‌نامند. در چنین وضعیتی است که انسان احساس می‌کند در «دهکده‌ای جهانی» به سر می‌برد.

**۲) حوزه‌ی اقتصادی:** در جهانی شدن اقتصاد، شاهد افول و تضعیف «اقتصاد کینزی» هستیم. براساس اقتصاد کینزی، که در مقابل اقتصاد کلاسیک است، دست نامرئی بازار چرخه‌ی اقتصادی را تعدیل می‌کند و دولت نباید در این چرخه مداخله کند. از آنجا که اقتصاد کلاسیک رفاه اقتصادی به بار نیاورد و به شکاف طبقاتی انجامید، کینز به نقش و مداخله‌ی دولت در اقتصاد برای حل بحران پیشین قائل گردید. اما امروزه، با جهانی شدن اقتصاد، مداخله‌ی دولت و حاکمیت در اقتصاد ملی تضعیف شده است و در مقابل، نقش شرکت‌های چندملیتی‌ای برجسته و تقویت شده است که وطن و ملیتی خاص ندارند و در پی تولید ارزان‌تر و با صرفه‌تر هستند. این شرکت‌ها، تا حد زیادی از محدودیت قوانین سیاسی و حقوقی ملی رهایی یافته‌اند و اینجاست که اقتصاد ملی کم رنگ می‌شود. در چنین فضایی، سازمان تجارت جهانی (WTO) پدید آمد که نماد جهانی شدن اقتصاد بود.

**۳) حوزه‌ی سیاسی:** در حوزه‌ی سیاسی، شاهد پیدایش و گسترش روزافزون نهادهای سیاسی بین‌المللی یا مؤثر در سیاست بین‌الملل هستیم. سازمان ملل، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی و مؤسسه‌های بین‌المللی مدافع اموری همچون حقوق بشر و محیط زیست عرصه را بر سیاست ملی تنگ کرده‌اند و رابطه‌ی دولت-ملت را به چالش کشانده‌اند. به این معنا که، گاه تصمیم‌های حاکمیت، در محدوده‌ی ملی، در تضاد با دریافت‌ها و رهیافت‌های چنین نهادها و مؤسسه‌هایی قرار می‌گیرد. گاه، تصمیمی قضایی مخالف حقوق بشر شمرده می‌شود و گاه، تصمیم اقتصادی دولت با مخالفت سازمان‌های مدافع محیط زیست روبه‌رو می‌شود و اقتدار سیاسی دولت را به چالش می‌کشد.

**۴) حوزه‌ی فرهنگی:** در حوزه‌ی فرهنگ، شاهد تقارب و به تعبیر دقیق‌تر انتقال فرهنگ‌ها هستیم. در این انتقال و ارتباط، فرهنگ با همه‌ی اجزا و ارکان خود انتقال پیدا می‌کند و گسترش می‌یابد؛ همچون

دین، آداب و رسوم و باورها. نهادهای فرهنگی - حقوقی بین‌المللی نیز نمادی از جهانی شدن در عرصه‌ی فرهنگ هستند؛ همچون مؤسسه‌های پاسبان حقوق بشر.

### جهانی شدن، برنامه یا پدیده‌ای طبیعی؟

بحث مهم مطرح در اینجا این است که آیا با پدیده‌ای طبیعی با نام جهانی شدن روبه‌رویم یا با برنامه‌ای طراحی شده و هدفمند. برخی معتقدند آنچه جهانی شدن نامیده می‌شود، مولود طبیعی و جبری برخی علل و عوامل فنی و فناورانه است؛ اما برخی دیگر معتقدند این وضعیت برنامه‌ای طراحی شده و هدفدار برای تحقق اهداف و امیال غرب است. در این راستا، از تعبیرهایی همچون «آمریکایی‌سازی جهان» یا «غربی‌سازی جهان» استفاده می‌شود.

انقلاب ارتباطی و اطلاعاتی، فراگیر شدن وسایل ارتباط جمعی، زوال مرزهای جغرافیایی و مرگ زمان و مکان مولود طبیعی رشد خیره‌کننده‌ی دانش فنی و فناوری است. با این معنا، جهانی شدن امری طبیعی جلوه می‌کند. از سوی دیگر، از آن رو که وسایل پیشرفته‌ی ارتباط جمعی از کشورهای غربی متولد شده‌اند و رشد کرده‌اند، ممکن است عاملی برای انتقال طراح‌های این کشورها باشند و اهداف غربی را محقق سازند. اکنون، در مسئله‌ی جهانی شدن چنین وضعی حاکم است و ما در واقع با جهانی‌سازی مواجهیم. دو دیدگاه درباره‌ی اینکه غرب، در مسئله‌ی جهانی شدن، چه چیزی را بر دیگران تحمیل می‌کند مطرح است: **دیدگاه اول:** برخی معتقدند آنچه در جهانی شدن به دیگران منتقل می‌شود «مدرنیسم»<sup>۴</sup> است. مطابق این دیدگاه، مدرنیسم که ذاتاً ماهیتی هژمونیک دارد تسری می‌یابد و به آخرین مرحله‌ی تجلی و تکامل خود می‌رسد.

**دیدگاه دوم:** مطابق این دیدگاه، جهانی شدن در ارتباط اساسی با «پست‌مدرنیسم»<sup>۵</sup> است. سربر آوردن دیدگاه‌ها و اندیشه‌های جدید در عرصه‌های گوناگون، تسلط و یکپارچگی مدرنیسم را ستانده و باعث تکثر شده است. کیت نش از جمله مدافعان دیدگاه دوم است. به نظر می‌رسد نظریه‌ی دوم چندان با واقعیت مطابق نباشد؛ زیرا پست‌مدرنیسم، دست کم طبق برخی نگرش‌ها، نقدی از درون تمدن غرب بر مدرنیسم است. پست‌مدرنیسم حکایت نارسایی‌های مدرنیسم و البته در چارچوب اندیشه‌ی غربی است؛ از این رو امتداد

<sup>۴</sup> Modernism.

<sup>۵</sup> Modernism-Post.

مدرنیسم است، نه دوران و وضعی مستقل از آن. همچنین، حتی اگر در روند جهانی شدن اندیشه‌ها و فرهنگ‌های دیگر هم رخ بنمایانند، غلبه همچنان با مدرنیسم است. این امر درباره‌ی فرهنگ‌ها و تمدن‌های غیراسلامی به این دلایل صادق است:

۱. ضعف در محتوای فرهنگ‌ها؛

۲. ضعف در روزآمدنبودن فرهنگ‌ها؛

۳. ضعف در وسایل ارتباطی و فنی که به ضعف در فرم منجر می‌شود.

درباره‌ی فرهنگ و تمدن اسلامی، قطعاً مورد اول صادق نیست؛ ولی مورد دوم - به معنای ضعف فعالیت مسلمانان در به روز کردن فرهنگ اسلامی (حفظ محتوا، زبان و فرم جدید) - و نیز مورد سوم صادق است. اکنون، به برخی عوامل اصلی مدرنیسم می‌پردازیم تا دریابیم با جهانی شدن پاره‌ی دیگر جهان چه هدیه‌ای از غرب دریافت می‌کند.

### عناصر اساسی مدرنیسم

#### ۱. عقل‌گرایی<sup>۶</sup>

با عقل‌ابزاری، انسان مدرن راهی جدید برای زندگی خود گشود. عقل‌ابزاری عقلی است که جهان اطراف و روابط میان پدیده‌ها را درک می‌کند و نتایج به‌دست آمده را به صورت قواعد تنظیم می‌کند. چنین عقلی بیشتر کارایی عملی دارد و به انسان امروز امکان تغییر جهان به‌سوی وضعی مطلوب و زندگی‌ای راحت‌تر، در راستای لذت‌های غریزی، را می‌دهد. این عقل با اندیشه‌ی دینی و معارف و حیانی ارتباطی ندارد و از آن گریزان است. با کنار گذاشتن عقل‌شهودی، که وجه جداکننده‌ی دوران پیشامدرن از دوران مدرن بود و می‌توانست در زمینه‌ی مفاهیم و حیانی و حقایق کلی هستی کاوش کند، انسان مدرن راه و عرصه را برای عقل‌ابزاری گشود.

#### ۲. اومانیزم<sup>۷</sup> (انسان‌مداری)

در دیدگاه مدرن، انسان محور و کانون هستی است و اصالت دارد. توانایی‌های ذهنی و ادراکی و علمی او برای اداره‌ی زندگی‌اش کفایت می‌کند. در دیدگاه سنتی، انسان گرچه شرافت و کرامت دارد؛ اما این

<sup>۶</sup> Rationalism.

<sup>۷</sup> Humanism.

شرافت و کرامت از طریق بندگی و عبودیت حاصل می‌شود. انسان رها و گسیخته از عبودیت، انسان شریفی نیست. درمقابل، انسان جدید بر استقلال خود و کرامت‌های ذاتی خود تأکید می‌کند و امر و نهی صادرشده از جایی فراتر از خود را نمی‌پذیرد. در دوران ماقبل مدرن، کانون هستی خداوند بود و ارزش هر چیز و امدار نسبتش با او بود؛ اما در عصر مدرن، انسان مرکز عالم شد و ارزش هر چیز به خواست و تمایل او وابسته شد.

### ۳. سکولاریسم (جدانگاری دین و دنیا)

سکولاریسم فرایندی است که در آن وجدان دینی، فعالیت‌های دینی و نهادهای دینی اعتبار و اهمیت اجتماعی خود را از دست می‌دهند؛ در نتیجه دین در عملکرد نظام اجتماعی به حاشیه رانده می‌شود و کارکردهای اساسی در عملکرد جامعه عقلانی می‌شوند - با خارج شدن از زیر نفوذ و نظارت عواملی که اختصاصاً به امور ماوراطبیعی عنایت دارند. امروزه در غرب، دین از اوج و نفوذ فراگیر و حتی تعیین‌کننده‌ی خود سقوط کرده و صرفاً به بخشی از نظم اجتماعی تبدیل شده است.

### ۴. آزادی

انسان مدرن خود را در ساحت اندیشه، بیان و عمل آزاد می‌بیند. او آزاد است در اجتماع هرگونه می‌خواهد زندگی و رفتار کند. آزادی او هیچ قیدی ندارد، جز آزادی و خشنودی دیگران. فقط زمانی که آزادی دیگران برهم خورد، آزادی محدود می‌شود. انسان بالذات هیچ منع و محدودیتی را، حتی دینی و الهی، نمی‌پذیرد؛ زیرا عرصه‌ی اجتماعی عرصه‌ی حقوق آدمی است و این حقوق را انسان‌ها خود وضع می‌کنند، نه خداوند. به‌دیگرسخن، در عرصه‌ی حیات جمعی و زندگی اجتماعی، مبنای رفتار انسان‌ها توافق‌های خود آنان است، نه تکالیف دینی. ازاین‌رو، در جوامع غربی، اموری چون همجنسگرایی مشروع و قانونی می‌شود.

### بحران‌های دامنگیر جوامع مدرن

#### ۱. بحران معرفتی

از زمان کانت به بعد، انسان مدرن میان خود و جهان واقع فاصله‌ای پرنشدنی می‌بیند. راه شناخت حقیقت اشیا بر انسان مدرن بسته است و او با عینک ذهن خود جهان را می‌بیند و می‌سازد. این جهان، جهان اوست، نه جهان واقع. از اینجاست که ریشه‌های شک‌گرایی انسان جدید متولد شد. ازدیگرسو، نتیجه‌ی مطالعات

هرمنوتیکی نشان می‌داد که هیچ فهم ناب و کاملی از یک متن به دست نخواهد آمد. در معرفت‌شناسی، صدق به انسجام با دیگر نظریه‌ها تعریف شد و نه به مطابقت با واقع؛ مبنای گروهی حریفی به نام «انسجام گروهی» یافت. نظریه‌های علوم تجربی با مشکل قطعیت‌نداشتن مواجه شدند و قصه‌ی تغذیه‌ی آنان از علل و عوامل غیر معرفتی بر سر زبان‌ها افتاد. در این میان، نظریه‌های علوم تجربی جای خود را شتابزده به دیگری می‌دادند و این انسان مدرن بود که روزبه‌روز دچار بحران معرفت، فقدان اطمینان و شک بیشتر می‌شد.

## ۲. بحران اخلاق

در دوران مدرن، در فلسفه‌ی اخلاق مکاتبی چون نسبی‌گرایی، سودمداری و لذت‌مداری پدیدار شدند که دست‌کم در برخی اشتقاق‌ها (همچون لذت‌مداری یا سودمداری تعدیل‌نا یافته) به مشکلات اخلاقی جوامع غربی و نابهنجاری‌های اجتماعی منجر شدند یا در گسترش آن‌ها نقش داشتند. مطابق با اصل آزادی و اومانیزم، انسان غربی دست خود را برای ارضای بی‌حد و حصر و لجام‌گسیخته‌ی شهوات و امیال نفسانی گشوده دید و این چنین شد که امروزه غرب گرفتار بحران معنویت و اخلاق شد. امروزه، غرب با معضل‌های بزرگی روبه‌روست؛ مانند خشونت‌های خیابانی، مصرف بسیار گسترده‌ی مشروبات الکلی و مواد مخدر و داروهای توهم‌زا، آزار جنسی و همجنس‌گرایی. یکی از علل گسترش مشکلات اخلاقی توسعه و پیشرفت وسایل ارتباطی و فناوری اطلاعات است. شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای و سایت‌های اینترنتی در این زمینه نقشی اساسی دارند. آثار این اوضاع در جوامع غربی، فروپاشی جایگاه و منزلت خانواده، افزایش مردان و زنان بی‌همسر یا طلاق گرفته و افزایش عشق‌های خارج از ازدواج است.

## ۳. بحران روانی

اضطراب و استرس بیماری قرن و بیماری دوران مدرن است. اروپایی‌ها خود واژه‌ی «عصر اضطراب» را برای توصیف قرن بیستم برگزیده‌اند. شکل خاص اضطراب در قرن حاضر مولد «بی‌معنایی» و «پوچی» انسان است. جهان جدید کانون معنوی و معنابخشی زندگی را گم کرده است. انسان جدید ابتدا خدا را کنار زد تا با عقل خود، خود را آرام کند؛ اما دیری نپایید که فهمید کنار رفتن خدا از صحنه‌ی زندگی، نه تنها آرامش نمی‌آورد، بل اضطراب و تشویش می‌آفریند. هنگامی که نیچه می‌گوید: «خدا مرده است»؛ یعنی حضور خدا در زندگی انسان از بین رفته است. در غرب امروز، بشر به پوچی رسیده است و از ورزش و سینما همچون دین‌هایی جدید قدردانی می‌کند و خود را به آن‌ها می‌آویزد.

## بخش دوم: کارکردهای مسجد و نقش آن در عصر جهانی شدن

مسجد در عصر جهانی شدن یا جهانی سازی کارکردهای اساسی ای دارد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

### ۱. تکثیر اندیشه‌ی دینی

در عصر جهانی شدن، غرب می‌کوشد تا مدرنیسم را به نیمه‌ی دیگر جهان تحمیل کند و ذهن و ضمیر افراد سویه‌ی دیگر زمین را با زینت‌ها و زیورهای فریبنده‌ی آن تسخیر کند. برای مقابله با چنین امری، مسجد می‌تواند کانونی باشد برای طرح اندیشه‌ی دینی درمقابل اندیشه‌ی غربی. به‌دیگرسخن، مسجد می‌تواند از ظرفیت‌های خود سود جوید و اندیشه‌ی الهی را که پاک است به مسلمانان، به‌خصوص جوانان مسلمان، عرضه کند. مسجد می‌تواند دربرابر مدرنیسمی بایستد که رهاورد مغرب‌زمین است و با وحی، معارف قدسی و اندیشه‌های الهی ارتباطی ندارد.

### ۲. زدودن شبهات فکری

جهان غرب می‌کوشد، با بیان سیل آسای شبهات فکری، اندیشه‌ی جوان مسلمان را دربرابر علایق دینی و اعتقادهای مذهبی سست کند و به تدریج از او فردی لاقید بسازد. چنین فردی دیگر نخواهد توانست در خدمت انقلاب اسلامی و اهداف آن باشد و سودای پیشرفت دینی و دنیوی را در سر داشته باشد. علاوه‌بر راهکار تکثیر اندیشه‌ی دینی، مسجد می‌تواند کانونی باشد برای دفع شبهات جدید فکری و القائات دنیای مدرن. مسجد می‌تواند به جوانان راه‌حل صحیح مشکلات فکری را عرضه کند و آنان را دربرابر هجمه‌ی غرب بیمه کند.

### ۳. تأمین بهداشت روان

بهداشت روان در جهان جدید مسئله‌ای پراهمیت و دشوار است. یکی از مشکلات دنیای معاصر، مسئله‌ی بحران‌های روحی و روانی است؛ تاآنجاکه عصر جدید را «عصر اضطراب» نامیده‌اند. دنیای غرب، همراه با تحمیل فرهنگ خود به دیگر جوامع، اضطراب را نیز مخفیانه به آنان انتقال داده است. در اینجا نیز مسجد می‌تواند نقشی فعال ایفا کند و به بهداشت روانی فرد کمک کند. این امر از طریق برنامه‌های عبادی مسجد تحقق خواهد یافت؛ برنامه‌هایی همچون دعا، نماز، نیایش و عزاداری. در ادامه، به تأثیر سبک معماری اسلامی مساجد در بهداشت روان افراد اشاره می‌کنیم. ویلیام جیمز در کتاب «دین و روان» می‌گوید:

اجازه می‌خواهم که در اینجا نظری به ساختمان‌های معابد انداخته و ببینیم که در به‌کاربردن زیبایی‌ها در ساختمان‌های بعضی از معابد همان نیاز و احتیاجی ملاحظه شده است که در نهاد و سرشت آدمی تعبیه شده است. روحیه‌هایی از مردم هست که به‌سادگی بسیار علاقه‌مند بوده و به بی‌آلایشی داخلی خود اهمیت به‌سزایی می‌دهند. درمقابل، مردم دیگری هستند که به زرق‌وبرق و جلال و جبروت اهمیت می‌دهند؛ روحیه‌ای که به جاه و جلال اهمیت فراوان می‌دهد، از یک معبد ساده و بی‌آلایش خوشش نمی‌آید. او به یک سازمان روحانیتی نیازمند است که پرابته و جلال باشد و یک مقام با عظمتی در رأس آن قرار گیرد. این‌ها در مقابل معبد پر عظمتی که سر به آسمان برافراشته و در آن صدای تکبیر و الله‌اکبر با لحنی مخصوص طنین‌انداز باشد، عظمت و قدوسیت خداوند را بیشتر و بهتر درک می‌کنند.<sup>۸</sup>

سید حسین نصر در کتاب «جوان مسلمان و دنیای متجدد» می‌نویسد:

شاهکارهای بزرگ هنر اسلامی، همچون مساجد جامع قرطبه در اسپانیا، قیروان در تونس و ابن طولون در قاهره یا نظایر آن‌ها در جهان اسلام مثل بناها و مساجد استانبول و مخصوصاً اصفهان و سمرقند، نه فقط جلوه‌هایی از روح وحی اسلامی را بلافاصله بازتابانده است، بل طنین جان و جوهر همان روح است و به یک معنا، روشن‌ترین و عینی‌ترین پاسخ را به این سؤال می‌دهد که: «اسلام چیست؟» این بناها برخی از مهم‌ترین جنبه‌های پیام اسلام را در هماهنگی و تناسب و صفا و روشنی و آرامش خود متبلور ساخته است.<sup>۹</sup>

#### ۴. گسترش اندیشه‌ی «مهدویت»

مسجد می‌تواند کانونی نقش‌آفرین و اساسی در جهت گسترش و تعمیق اندیشه‌ی مهدویت و به سخن روشن‌تر، جهانی شدن مهدی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) باشد. در اندیشه‌ی شیعی، مهدی موعود (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) روزگاری دعوت جهانی خود را آغاز و حکومتی جهانی بر پا خواهد کرد و اندیشه‌ی الهی و وحیانی شیعی را در سراسر گیتی خواهد گستراند. بنابراین، شیعه به جهانی‌سازی مهدوی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) معتقد است. این اندیشه نقطه‌ی مقابل جهانی‌سازی غربی‌ای است که از زلال وحی دور و برپایه‌ی فرهنگ و تمدن غرب

<sup>۸</sup>. ویلیام جیمز، دین و روان، ترجمه‌ی مهدی قائنی، انتشارات آموزشی انقلاب اسلامی، ص ۱۵۰ - ۱۵۱.

<sup>۹</sup>. سید حسین نصر، جوان مسلمان و دنیای متجدد، ترجمه‌ی مرتضی اسعدی، انتشارات طرح نو، ص ۱۴۸ - ۱۴۹.



است. شیعه می‌تواند از اندیشه‌ی مهدویت سود جوید، آن را به جهانیان عرضه کند، دل‌های افسرده و دردمند سراسر عالم را امیدوار کند و به آنان بفهماند که اندیشه‌ی غالب اندیشه‌ی غرب و جهان کفر نیست. برای نیل به چنین هدفی، باید از مسجد یاری گرفت تا نخست، خود اندیشه‌ی مهدویت میان شیعیان به تعمیق و رشد برسد و سپس، زمینه‌ی صدور آن فراهم گردد.

## ۵. بازیابی هویت

از جمله فرق‌های دوران ماقبل مدرن و جهان سنتی با دوران مدرن این است که در دوران ماقبل مدرن، جهان و اشیای پیرامون آدمی ساده بودند، نه پیچیده و این اشیا نشانه‌های خداوند بودند. در دوران ماقبل مدرن، انسان با نگاه به جهان و اشیای پیرامون به یاد خداوند می‌افتاد یا به‌سوی تأمل در خود و هستی خود و شناخت حقایق نفس خود کشانده می‌شد. به‌دیگرسخن، جهان چنان دیده می‌شد که گویی محضر و تجلی‌گاه خداوند بود. فرآورده‌های عملی و فنی بشر نیز در آن دروان واجد چنین وضعی بودند؛ یعنی انسان با دیدن آن‌ها یا به خدا یا به نفس خود (به‌عنوان مقدمه‌ای برای رجوع به خدا) ارجاع داده می‌شد. پس چنین است که در معماری سنتی مساجد، مفاهیم دینی خودنمایی می‌کنند.

اما در جهان مدرن، جهان و اشیای پیرامون انسان پیچیده شدند. بشر به‌جای آنکه طبیعت را تفسیر کند، آن را تغییر داد و دنیایی عجیب و پرزرق‌وبرق پدید آورد. در این دنیا، اشیا دیگر نشانه‌ی خدا نبودند و انسان با نظر به آن‌ها به خدا یا نفس خود ارجاع داده نمی‌شود.

اما در همین دنیای مدرن، اشیا و مکان‌های سنتی و دینی، که رنگ خدا به خود گرفته‌اند، می‌توانند بشر را به خود یا خدا ارجاع دهند. مسجد از جمله‌ی همین مکان‌هاست. مسجد مکانی است که بشر امروز هویت الهی خود را در آن باز می‌یابد. معماری مسجد، نوای دلنواز و قدسی اذان که از مناره‌ها به گوش می‌رسد، نماز جماعتی که در مسجد برپا می‌شود و نیایش‌ها، دعاها و عزاداری‌هایی که در مسجد تحقق می‌یابد همگی عواملی مؤثر در رجوع انسان به خود و خدای خود هستند.

## فهرست منابع

۱. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، نشر نی.
۲. ابوریع، ابراهیم، امکان پاسخی معاصر و اسلامی به جهانی شدن، پگاه حوزه، ض ۱۷، ۱۸، ۱۹.
۳. ویلسون، براین.ر، جدا انگاری دین و دنیا، ترجمه مرتضی اسعدی در: فرهنگ و دین: مجموعه مقالات، انتشارات طرح نو.
۴. دیویس، تونی، اومانيسم، ترجمه عباس مخبر، نشر مرکز.
۵. کورتنی موری، جان، انسان بی‌خدای عصر نوگرایی و عصر فرانو گرایی، ترجمه هدایت علوی تبار، ارغنون، ش ۱۱، ۱۲.
۶. جهانی شدن، دین و جهان گرایی، گفت و گو با عماد افروغ، پگاه حوزه، ش ۸.
۷. بشرویه، حسین، جهانی شدن و حاکمیت ملی، هفته نامه آبان، دوره جدید، سال اول، ش ۴.
۸. دین و جهانی شدن، تقابل یا تعامل، گفت و گو با محمد مسجد جامعی، پگاه حوزه، ض ۱۳.
۹. دین و جهانی شدن، گفت و گو با حسین کچوئیان، روزنامه همشهری، فروردین ۶۳، ش ۳۳۵۰، ۳۳۵۱.
۱۰. میلاد، زکی، جهانی شدن و اندیشه اسلامی، ترجمه سید محمد موسوی، پگاه حوزه، ش ۱۱.
۱۱. سنت، مدرنیته، پست مدرن، گفت و گو با سید جواد طباطبایی، هفته نامه راه نو، ش ۸.
۱۲. نصر، سید حسین، جوان مسلمان و دنیای متجدد، ترجمه مرتضی اسعدی، انتشارات طرح نو.
۱۳. شجاعی زند، علیرضا، عرفی شدن، دین، فرد و جامعه، مجله نقد و نظر، سال ۶، ش ۱، ۲.
۱۴. عبدالکریم، عمرو، جهان شدن در عرصه‌های سرمایه، تکنولوژی و فرهنگ، ترجمه جهانگیر میرزایی، پگاه حوزه، ش ۲۷.
۱۵. لومر، فرانکلین، بحران مدرنیته، ترجمه جمال کاظمی، پگاه حوزه، ش ۲۷.
۱۶. فلسفه فرج و جهانی شدن، مجله قیاسات، ش ۳۳.
۱۷. گرگور، گدس مک، شک و ایمان، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، فرهنگ و دین، انتشارات طرح نو.
۱۸. پترسون، مایکل، بروس رایشنباخ و... عقل و اعتقاد دینی، ترجمه ابراهیم سلطانی و احمد نراقی، انتشارات طرح نو.
۱۹. نقد روایت ایدئولوژیک از عصر جهانی شدن، گفت و گو با دکتر الهی، پگاه حوزه، ش ۲۴ و ۲۵.

۲۰. ویژه‌نامه همایش جهانی شدن و دین، ش ۱، دی ۸۱.

۲۱. جیمز، ویلیام، دین و روان، ترجمه مهدی قائمی، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد